

پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری (علمی- پژوهشی)

سال ششم، شماره اول، پیاپی (۱۰)، بهار و تابستان ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۵

صص: ۱۷-۳۲

تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی دانشجویان

فرشته پورمحسنی کلوری

استادیار روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

fpmohseni@pnu.ac.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل دوران دانشجویی، روابط عاشقانه با جنس مخالف است. پژوهش‌ها نشان داده است این روابط بر زمینه‌های اصلی عملکرد جوانان، همچون: روابط صمیمانه، تحول هویت، رابطه با همسالان و تحول جنسی تأثیر می‌گذارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی دانشجویان دانشگاه‌های اردبیل انجام شد. بدین منظور، ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های اردبیل به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه سبک دلبستگی (کالینز و رید، ۱۹۹۰)، پرسشنامه شخصیتی هگزاگو (آشتون و لی، ۲۰۰۴) و مقیاس سبک‌های عشق (هندریک و هندریک، ۱۹۸۹) پاسخ دادند. بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های عشق‌ورزی نشان داد که در رابطه عاشقانه با جنس مخالف، دختران بیش‌تر از عشق احساساتی و پسران بیش‌تر از سبک عشق بازیگرانه و منطقی استفاده می‌کنند ($P < 0/05$ و $P < 0/01$). تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد در پسران، وظیفه‌شناسی و در دختران سبک دلبستگی صمیمانه توانستند سبک عشق احساساتی را پیش‌بینی نمایند. همچنین، در پسران خصیصه تواضع - فروتنی سبک عشق بازیگرانه؛ و دلبستگی اضطرابی و خوشایندی سبک عشق منطقی را پیش‌بینی کردند. در دختران نیز تهییج‌پذیری و دلبستگی اضطرابی توانستند سبک عشق منطقی را پیش‌بینی نمایند ($P < 0/05$ و $P < 0/01$). یافته‌های این مطالعه در راستای درک عوامل مؤثر بر سبک‌های عشق‌ورزی قابل بحث است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های عشق‌ورزی، الگوی شش‌عاملی شخصیتی HEXACO، سبک‌های دلبستگی، تفاوت‌های جنسیتی، دانشجویان.

مقدمه

عبارتند از اروس^۴ (عشق شهوانی و احساساتی)، لودوس^۵ (عشق بازیگرانه)، استورگ^۶ (عشق دوستانه و همراه با احترام)، پراگما^۷ (عشق منطقی)، مانیا^۸ (عشق افراطی) و آگاپه^۹ (عشق بدون خودخواهی). لی معتقد است باگذشت زمان وقتی فرد ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی ویژه‌ای را درون‌سازی می‌کند، ممکن است سبک‌های عشق‌ورزی وی نیز تغییر کنند.

یکی از عوامل مؤثر بر سبک‌های عشق‌ورزی، سبک دلبستگی افراد است. نظریه دلبستگی حاصل پژوهش‌های بالبی و یکی از گسترده‌ترین نظریه‌های حوزه تحول اجتماعی است که الگوی تعاملات صمیمانه را توصیف می‌کند (هازان و شیور^{۱۰}، ۱۹۸۷). هازان و شیور (۱۹۸۷) مفهوم دلبستگی بالبی را بسط و با روابط عاشقانه در بزرگسالی پیوند داده‌اند. آنان رابطه عاشقانه را تداوم فرایند دلبستگی معرفی کرده‌اند؛ فرایندی که در آن فرد با یک بزرگسال رابطه عاطفی برقرار می‌سازد که تا حد زیادی شبیه رابطه عاطفی نوزاد با مراقب اولیه است. مطابق با نظریه هازان و شیور، سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی - دوسوگرا در بزرگسالی نیز وجود دارند و افراد با این سبک‌های دلبستگی، روابط صمیمانه و عاشقانه را به‌گونه کاملاً متفاوتی تجربه می‌کنند (کسیدی^{۱۱}، ۱۹۹۴، میکولینسر و شیور^{۱۲}، ۲۰۰۷).

در خلال دوران نوجوانی و جوانی، روابط عاشقانه^۱ با جنس مخالف، نسبتاً شایع است. این‌گونه روابط بر زمینه‌های اصلی عملکرد جوانان، همچون: تحول هویت، رابطه با همسالان و تحول جنسی تأثیر می‌گذارد و ممکن است روابطی هیجان‌انگیز یا استرس‌زا برای آنان باشد (آبما و سرنستین^۲، ۲۰۰۱). منظور از رابطه عاشقانه با جنس مخالف، گستره‌ای از روابط میان دو جنس مخالف پیش از ازدواج و بدون محرمیت است که با انگیزه‌های مختلفی، مانند: صمیمیت، رفاقت، دلبستگی، فعالیت جنسی، تعهد و مراقبت و در قالب دوستی و قرارهای عاشقانه به‌منظور ازدواج، دوستی‌های خیابانی، همخانگی و شکل‌های دیگر تداوم می‌یابد (موحد و همکاران، ۱۳۸۵).

جوانان به دلایل متعددی، همچون: فشار همسالان، احساس حقارت و یا عزت‌نفس ضعیف در صورت نداشتن رابطه با جنس مخالف، دریافت حمایت عاطفی و یا برخورداری از تجربه‌ای جدید وارد این‌گونه روابط می‌شوند. عوامل مختلفی بر تداوم و یا عدم تداوم این روابط تأثیر می‌گذارند که از جمله می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و تفاوت‌های جنسیتی اشاره کرد.

از جمله نظریه‌های گسترده در حوزه عشق، نظریه عشق لی (۱۹۷۳) است. مبتنی بر نظریه لی^۳، عشق رفتاری آموخته شده است که روش‌های دوست داشتن افراد را مشخص می‌سازد و تحت تأثیر فرهنگ و بافت اجتماعی افراد قرار دارد. به عقیده لی، شش سبک عشق وجود دارد که

⁴ eros

⁵ ludus

⁶ storg

⁷ pragma

⁸ mania

⁹ agape

¹⁰ Hazan & Shaver

¹¹ Cassidy

¹² Mikulincer & Shaver

¹ romantic relationships

² Abma & Sorenstein

³ Lee's Theory

همکاران^۳، ۲۰۰۴). سبک‌های عشق احساساتی و بازیگرانه با صفت برونگرایی و سبک عشق افراطی با صفت روان‌رنجورخویی ارتباط دارد. روان‌رنجورخویی با تمایلات جنسی شدید و خیانت، رابطه مثبت و با عشق‌ورزی دوستانه رابطه منفی دارد (گرتمن و پینکس^۴، ۲۰۰۳). در مردان و زنان، وظیفه‌شناسی عشق احساساتی را منفی پیش‌بینی می‌کند (انگل و همکاران^۵، ۲۰۰۲). همچنین، مطالعه میدلتون^۶ (۱۹۹۳) نشان می‌دهد در مردان روان‌رنجورخویی با سبک عشق بازیگرانه همبستگی مثبت و با سبک عشق دوستانه همبستگی منفی دارد. همچنین، یک بعد از برونگرایی هیجان‌خواهی^۷ است که با سبک عشق منطقی و دوستانه رابطه منفی دارد (کمپل و فاستر^۸، ۲۰۰۲).

افزون بر نقش ویژگی‌های شخصیتی بر نحوه ابراز عشق‌ورزی، تفاوت‌های جنسیتی نیز بر تجارب عاشقانه افراد تأثیر می‌گذارد (دوریک و همکاران^۹، ۲۰۰۶)؛ برای مثال، زنان عشق را نوعی تعهد عاطفی و احساس امنیت می‌دانند؛ درحالی‌که مردان عشق را نوعی تعهد جنسی و لذت جسمانی هنگام آمیزش تصور می‌کنند (وراسک و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۵)؛ اما چرا زنان و مردان در تجربه احساسات عاشقانه با هم تفاوت دارند؟

منطبق با نظریه سرمایه‌گذاری والدینی^{۱۱} (تریورز^{۱۲}، ۱۹۷۲؛ به نقل از اشمیت و همکاران^{۱۳}،

افراد ایمن، روابط عاشقانه بسیار شاد، دوستانه و قابل‌اعتمادی دارند. آنان طرف مقابل خود را با همه کاستی‌هایش پذیرفته، حمایت می‌کنند و روابط پایدار و بلندمدتی را تجربه می‌نمایند. افراد با دلبستگی اجتنابی از صمیمیت می‌ترسند، در رابطه عاشقانه فراز و فرودهای عاطفی شدیدی دارند و اغلب حسادت عاطفی را تجربه می‌کنند. عشق در نگاه دلبسته‌های مضطرب - دوسوگرا نیز نوعی درگیری و اشتغال ذهنی است که با جذابیت جنسی و رفتاری حسادت‌آمیز همراه است و فرد در خلال آن فراز و فرودهای عاطفی شدیدی را تجربه می‌کند. با وجود این، دلبسته‌های مضطرب روابط نیرومند و معقولی با طرف مقابل خود دارند و درصدد دستیابی به حمایت و توجه هستند؛ اما روابط آنان با دیگران پر از تنش و تعارض است. پژوهش‌ها حاکی از آنند که دلبسته‌های نایمن (مضطرب و اجتنابی) رفتار جنس مخالف را به صفات و ویژگی‌های منفی وی و فقدان عشق نسبت می‌دهند و آشفته‌گی عاطفی خود را پیامد رفتار جنس مخالف می‌دانند (الغازی و همکاران^۱، ۲۰۱۰).

عشق و همه ابعاد عاطفی و هیجانی آن، ارتباط نیرومندی با ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های جنسیتی افراد دارد. برخی پژوهش‌ها به مطالعه ارتباط میان صفات شخصیتی و سبک‌های عشق در نظریه لی پرداخته‌اند (وایت و همکاران^۲، ۲۰۰۴)؛ برای مثال، در میان پنج عامل شخصیتی، دو عامل برونگرایی و خوشایندی، ارتباط نیرومندی با تفاوت‌های فردی در عشق دارند (هیون و

³ Heaven etal

⁴ Gurtman & Pincus

⁵ Engel etal

⁶ Middleton

⁷ excitement-seeking

⁸ Campbell & Foster

⁹ Durik etal

¹⁰ Voracek etal

¹¹ parental investment theory

¹² Trivers

¹³ Schmitt etal

¹ Alfasi etal

² White etal

فراگیر و به نمایش کشیدن رفتارهای جنسی در رسانه‌های نمایشی و نوشتاری غرب با تأثیر مستقیم بر رفتار مخاطبان آن‌ها و بویژه جوانان و نوجوانان همراه بوده است. همسو با دیگر جوامع، دگرگونی ارزش‌ها و به دنبال آن ارزش‌های جنسی در جامعه ما نیز نکته‌ای پنهان نیست و به دلیل جوان بودن و همچنین، افزایش سن ازدواج این تغییر نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف بیش از پیش نمود یافته است و تأثیر جهانی شدن به گونه‌ای عام و تأثیر رسانه‌ها به گونه‌ای خاص موجب شده است تا ارتباط با جنس مخالف به گونه‌ای متفاوت از گذشته نگریده شود (رجبلو و اصغری، ۱۳۸۹).

در همین راستا، مطالعه قاسمی (۱۳۸۳) در دانشگاه صنعتی اصفهان نشان می‌دهد ۳۷/۵ درصد از دانشجویان مورد مطالعه وی، دارای دوست یا دوستان نزدیک غیرهمجنس بوده‌اند. یافته‌های ذکایی (۱۳۸۴) نیز نشان می‌دهد ۷۹/۵ درصد از جوانان شهر تهران گفته‌اند که اکنون دوستی از جنس مخالف دارند و ۲۳ درصد نیز در گذشته دوست دختر یا پسر داشته‌اند. تنها ۱/۲ درصد اظهار داشتند که هیچ دوستی از جنس مخالف نداشته و ندارند.

همچنین، در مطالعه دیگری (موحد و همکاران، ۱۳۸۶) نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج بررسی شد. یافته‌های این پژوهش پیمایشی که در دانشگاه‌های شیراز انجام شده، نشان می‌دهد که خانواده‌های دانشجویان نسبت به دانشجویان نگرش منفی‌تری به این گونه معاشرت‌ها داشته‌اند و پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که پدیده معاشرت و دوستی دختر و پسر،

(۲۰۰۹) میزان وقت و انرژی که والدین برای فرزندان دختر و پسر خود صرف می‌کنند، در گونه‌های مختلف متفاوت است. در همه فرهنگ‌ها، مردان کمتر از زنان در امر تولد و تربیت فرزندانشان نقش دارند. به بیان دیگر، از دیدگاه تحولی «نظریه سرمایه‌گذاری والدینی»، نابرابری در میزان سرمایه‌گذاری والدینی و سرمایه‌گذاری کمتر مردان در مسؤلیت‌های والدینی، موجب بروز تفاوت در میزان تجربه احساسات عاشقانه در میان زنان و مردان خواهد شد. به همین دلیل، مردان کمتر از زنان در روابط عاشقانه سرمایه‌گذاری می‌کنند و در رابطه با جنس مخالف، برقراری رابطه جنسی بدون احساسات عاشقانه را ترجیح می‌دهند. در همین راستا، نتایج مطالعه جانسون و کاوانگ^۱ (۲۰۱۰) و اسپرجر - تورمون^۲ (۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهد مردان در مقایسه با زنان نمرات بالاتری در سبک عشق بازیگرانه و زنان نمرات بالاتری در سبک عشق احساساتی کسب می‌کنند.

از سوی دیگر، نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف و رفتار جنسی در تفاوت‌های موجود در شناسه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جوامع گوناگون ریشه دارد و مبتنی بر سنت سازه‌گرایی اجتماعی (ویگوتسکی، ۱۹۷۸؛ به نقل از خلیج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹) رابطه با جنس مخالف در متن اجتماع و فرهنگ شکل می‌گیرد و رفتاری اجتماعی تلقی می‌گردد؛ انتظارات اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی بر این موضوع تأثیرگذار است و نکته شایان توجه، دگرگونی نگرش به رابطه با جنس مخالف در سالیان اخیر است؛ جهانی شدن

¹ Jonason & Kavanagh

² Sprecher & Toro-Morn

سبک‌های عشق‌ورزی در دانشجویان دختر و پسر چگونه است؟

فرضیه‌های پژوهش حاضر بدین قرار است:

۱- میان سبک‌های عشق‌ورزی در دختران و پسران تفاوت وجود دارد. این فرضیه شامل فرضیه‌های فرعی زیر است:

الف- میان دختران و پسران در استفاده از سبک عشق‌ورزی احساساتی تفاوت وجود دارد.

ب- میان دختران و پسران در استفاده از سبک عشق‌ورزی بازیگرانه تفاوت وجود دارد.

ج- میان دختران و پسران در استفاده از سبک عشق‌ورزی منطقی تفاوت وجود دارد.

د- میان دختران و پسران در استفاده از سبک عشق‌ورزی دوستانه تفاوت وجود دارد.

ه- میان دختران و پسران در استفاده از سبک عشق‌ورزی افراطی تفاوت وجود دارد.

و- میان دختران و پسران در استفاده از سبک عشق‌ورزی ایثارگرانه تفاوت وجود دارد.

۲- سبک‌های دلبستگی (ایمن، اضطرابی و وابسته) و ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های عشق‌ورزی (احساساتی، بازیگرانه، منطقی، دوستانه، افراطی و ایثارگرانه) را در دختران و پسران دانشجوی پیش‌بینی می‌کنند. این فرضیه نیز شامل فرضیه‌های فرعی زیر است:

الف- سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی سبک عشق‌ورزی احساساتی را در دختران و پسران پیش‌بینی می‌کنند.

ب- سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی، سبک عشق‌ورزی بازیگرانه را در دختران و پسران پیش‌بینی می‌کنند.

واقعیت اجتماعی نوظهوری است که در پی تغییرات نگرشی و ارزشی به وجود آمده است.

رجبلو و اصغری (۱۳۸۹) نیز در مطالعه خود تأثیر جهانی شدن را در بازاندیشی تعاملات جنسی در میان دانشجویان دانشگاه تهران بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آنان نشان می‌دهد ۷۲/۳ درصد از شرکت‌کنندگان در مطالعه تجربه ارتباط با جنس مخالف را داشته و بقیه نداشته‌اند. از میان کسانی که با جنس مخالف رابطه داشته‌اند، ۲۸ درصد با هدف ازدواج، ۵۱/۳ درصد بدون هدف ازدواج و ۷/۵ درصد نیز هم با هدف ازدواج و هم بدون هدف ازدواج (یعنی برخی از دوستی‌های آنان با هدف ازدواج بوده و برخی نبوده است) با جنس مخالف رابطه دوستی برقرار کرده‌اند.

بدین ترتیب، در سال‌های اخیر، افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی در بین جوانان، دسترسی به رسانه‌های جهانی و فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت، اتاق گفتگو و تلفن همراه)، افزایش سن ازدواج و مهاجرت به شهرها، موجبات تسهیل در ارتباطات و دسترسی به سایر فرهنگ‌ها را فراهم نموده و از این رو، ارتباط با جنس مخالف در میان جوانان افزایش یافته است (خلج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹). در این میان، شناخت علل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم ارتباط با جنس مخالف می‌تواند از آسیب‌های احتمالی این رابطه پیشگیری نماید. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است: آیا دختران و پسران از سبک‌های عشق‌ورزی گوناگونی در رابطه با جنس مخالف استفاده می‌کنند؟ و این که ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با

دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد و دانشگاه علوم پزشکی نیز سه گروه آموزشی (رادیولوژی، پرستاری و پزشکی) به‌طور تصادفی انتخاب شدند و در نهایت، از هر گروه آموزشی منتخب، سه کلاس به شیوه تصادفی انتخاب و پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت آزمودنی‌ها، تعداد ۳۵۰ پرسشنامه توزیع گردید. در بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، از شرکت‌کنندگان سؤال شده بود که آیا دوست پسر/ دختر دارند؟ بدین‌ترتیب، پرسشنامه‌های ۲۰۰ نفر از کسانی که به این سؤال پاسخ مثبت داده بودند، به‌طور تصادفی انتخاب، تجزیه و تحلیل شد.

ابزار پژوهش

الف- مقیاس سبک‌های عشق‌ورزی

مقیاس سبک‌های عشق (LAS)^۱ (هندریک و هندریک^۲، ۱۹۸۹) از پرسشنامه سبک‌های عشق لی (۱۹۷۳) استخراج شده است. این مقیاس دارای ۴۲ گویه و ۶ خرده‌مقیاس است و هر خرده‌مقیاس دارای ۷ ماده است. این مقیاس شش حالت عشق اروس (عشق احساساتی)، لودوس (عشق بازیگرانه)، پراگما (عشق منطقی)، استورگ (عشق دوستانه)، مانیا (عشق افراطی) و آگاپه (ایثارگرانه) را ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری این پرسشنامه به‌شکل لیکرت از ۱ = کاملاً موافقم تا ۵ = کاملاً مخالفم است. نمره‌های پایین‌تر در هر خرده‌مقیاس نشان‌دهنده میزان گرایش فرد به آن سبک است. بنابراین، برای این مقیاس نمره کلی محاسبه نمی‌شود و هر فرد دارای ۶ نمره در ۶ خرده‌مقیاس است.

ج- سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی، سبک عشق‌ورزی منطقی را در دختران و پسران پیش‌بینی می‌کنند.

د- سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی، سبک عشق‌ورزی دوستانه را در دختران و پسران پیش‌بینی می‌کنند.

ه- سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی، سبک عشق‌ورزی افراطی را در دختران و پسران پیش‌بینی می‌کنند.

و- سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی، سبک عشق‌ورزی ایثارگرانه را در دختران و پسران پیش‌بینی می‌کنند.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی و علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر، دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و دولتی شهر اردبیل بودند که در سال تحصیلی ۱۳۹۰ در دانشگاه‌های محقق اردبیلی، دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه آزادشهر اردبیل مشغول به تحصیل بودند که از آنان تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر) به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ بدین‌ترتیب که ابتدا دانشگاه‌های محقق و آزاد به سه دانشکده (علوم انسانی، علوم پایه و فنی، هر دانشکده یک خوشه) تقسیم و دو دانشکده علوم انسانی و علوم پایه به‌طور تصادفی انتخاب شدند و از هر یک از دو دانشکده منتخب، سه گروه آموزشی به‌طور تصادفی برگزیده شدند (گروه‌های آموزشی علوم تربیتی، روان‌شناسی و مدیریت از دانشکده علوم انسانی و گروه‌های زیست‌شناسی، فیزیک و شیمی از دانشکده علوم پایه). همچنین، از

¹ Love Attitude Scale

² Hendrick & Hendrick

مشاهده‌گر از ۰/۴۷ تا ۰/۶۰ و همبستگی پرسشنامه پنج‌عاملی نئو با پنج عامل متناظر آن در نسخه شصت سؤالی هگزاکو از ۰/۵۳ تا ۰/۸۰ بود. در ایران، پالاهنگ و همکاران (۱۳۸۸) ساختار شش عاملی هگزاکو را در نسخه ۱۹۲ سؤالی آن تأیید کردند. آن‌ها آلفای کرونباخ نسخه فارسی عامل‌های هگزاکو را از ۰/۸۵ تا ۰/۹۳ و همبستگی آن‌ها با پنج عامل پرسشنامه نئو را از ۰/۴۲ تا ۰/۷۹ گزارش کردند.

ج- مقیاس تجدیدنظر شده دلبستگی بزرگسال کولینز و رید

مقیاس سبک دلبستگی کولینز و رید به توصیف نحوه شکل‌گیری دلبستگی‌های نزدیک در افراد می‌پردازد. این مقیاس شامل ۱۸ گویه است و نمره‌گذاری آن بر اساس درجه‌بندی لیکرت و به صورت ۵ گزینه‌ای است که نمره ۱ برای "من اصلاً این احساس را ندارم"، تا ۵، "من کاملاً این احساس را دارم"، هست. این مقیاس دارای سه زیر مقیاس نزدیکی و صمیمیت، وابستگی و اضطراب است و هر زیرمقیاس شش سؤال دارد. نزدیکی و صمیمیت میزان آسایش فرد در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند. خرده‌مقیاس وابستگی، میزان اعتماد و اتکای آزمودنی به دیگران و این موضوع که آیا دیگران در مواقع لزوم قابل‌دسترسی هستند یا خیر، را ارزیابی می‌نماید. خرده‌مقیاس اضطرابی نیز ترس از دست دادن و دوری از موضوع دلبستگی و رابطه اضطراب‌آمیز در روابط بین‌فردی را اندازه‌گیری می‌کند.

در این پرسشنامه خرده‌مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دوقطبی است که توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار

هندریک و هندریک (۱۹۹۵) ضریب همسانی درونی این مقیاس را بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی خرده‌مقیاس‌های این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای خرده‌مقیاس‌های عشق احساساتی، ۰/۷۰؛ عشق بازیگرانه، ۰/۶۷؛ عشق دوستانه، ۰/۶۲؛ عشق افراطی، ۰/۷۵؛ عشق منطقی، ۰/۷۶ و عشق ایثارگرانه، ۰/۸۷ استفاده شده است.

ب- پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی HEXACO

پرسشنامه HEXACO برای ارزیابی شش عامل یا ویژگی شخصیتی توسط لی و آشتون^۱ (۲۰۰۴) طراحی شد. در این پژوهش از فرم کوتاه ۶۰ سؤالی این پرسشنامه استفاده شده است. نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس لیکرت و به صورت پنج گزینه‌ای از نمره ۱ برای کاملاً مخالفم تا نمره ۵ برای کاملاً موافقم است. آشتون و لی (۲۰۰۹) پایایی این مقیاس را در نمونه دانشجویان بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۰ و در نمونه افراد عادی بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۰ به دست آورده‌اند که در نمونه دانشجویان ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های تواضع - فروتنی، ۰/۷۹؛ تهییج‌پذیری، ۰/۷۸؛ برونگرایی، ۰/۸۰؛ خوشایندی، ۰/۷۷؛ وظیفه‌شناسی، ۰/۷۸ و گشودگی، ۰/۷۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر پایایی خرده‌مقیاس‌های این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای خرده‌مقیاس‌های تواضع - فروتنی، ۰/۶۱؛ هیجان‌پذیری، ۰/۶۲؛ برونگرایی، ۰/۷۱؛ خوشایندی، ۰/۶۳؛ وظیفه‌شناسی ۰/۵۲ و گشودگی نسبت به تجربه ۰/۶۰ محاسبه شد. همچنین، مطابق با پژوهش آشتون و لی (۲۰۰۹) همبستگی نمره‌های خودگزارشی و نمره‌های

¹ Lee & Ashton

گام به گام و آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد.

نتایج

۵۰ درصد نمونه مورد مطالعه را دختران و بقیه آن را پسران تشکیل می‌دادند. میانگین سنی پسران گروه نمونه $21/20 \pm 1/78$ سال و میانگین سنی دختران گروه نمونه $21/09 \pm 1/59$ سال بود. ۸۵ درصد دختران و ۹۱ درصد پسران دانشجوی کارشناسی و ۱۵ درصد دختران و ۹ درصد پسران دانشجوی کارشناسی ارشد بودند. در ادامه، شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه، همچون: ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های عشق در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

شاخص متغیر	پسران		دختران	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
تواضع - فروتنی	۳۰/۶۲	۶/۱۴	۳۱/۱۲	۵/۹۹
هیجان‌پذیری	۲۹/۷۴	۵/۱۷	۳۲/۱۷	۵/۹۹
برونگرایی	۳۴/۷۱	۶/۱۰	۳۳/۷۴	۶/۱۴
خوشایندی	۳۱/۳۴	۵/۱۹	۳۱/۲۵	۶/۲۴
وظیفه‌شناسی	۳۳/۹۸	۴/۴۲	۳۳	۴/۵۲
گشودگی	۳۳/۶۶	۴/۷۲	۳۳/۴۷	۵/۹۷
اروس (عشق احساساتی)	۲۱/۱۹	۵/۲۱	۲۳/۹۵	۵/۴۰
استورگ (عشق دوستانه)	۱۷	۴/۵۴	۱۷/۶۸	۴/۷۵
مانیا (عشق افراطی)	۱۷	۵/۴۵	۱۷/۳	۵/۷۷
پراگما (عشق منطقی)	۲۱/۸۷	۵/۸۷	۲۰/۰۱	۶/۲۰
آگاهیه (عشق ایثارگرانه)	۱۸/۰۲	۶/۴۴	۱۸/۶۱	۷/۰۳
دل‌بستگی صمیمانه	۲۲/۴۷	۳/۶۹	۲۲/۸۶	۴/۰۲
دل‌بستگی اضطرابی	۱۷/۷۹	۴/۰۹	۱۸/۱۲	۴/۲۵
دل‌بستگی وابسته	۱۵/۹۶	۳/۶۸	۱۶/۱۳	۳/۷۵

تحلیل واریانس چندمتغیری، برابری واریانس گروه‌هاست. نتایج آزمون لوین نشان داد که واریانس نمره‌ها در سبک‌های عشق احساساتی،

می‌دهد؛ بنابراین، نزدیک بودن (C) در تطابق با دل‌بستگی ایمن و وابستگی (D) معکوس دل‌بستگی اجتنابی قرار دارد. با توجه به اینکه در نمونه ایرانی مقادیر آلفای کرونباخ تمامی موارد مساوی یا بیشتر از ۰/۸۰ است، آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین روایی پرسشنامه نیز مورد تأیید هست (پاکدامن، ۱۳۸۰).

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS ۱۶، تجزیه و تحلیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از شاخص‌های فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون

برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی میان سبک‌های عشق دختران و پسران، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. یکی از مفروضه‌های

سطوح متغیر مستقل برابرند. همچنین، بررسی آزمون کرویت بارتلنت نشان داد که همبستگی بین متغیرهای وابسته برای ادامه تحلیل کافی است و ماتریس کوواریانس باقیمانده متغیرهای وابسته یکسان است. وجود داده‌های پرت در داده‌ها به وسیله آماره فاصله مهالانویس بررسی شد که نتایج آزمون X^2 نشان داد که هیچ داده پرتی در داده‌ها وجود ندارد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری در جدول‌های (۲) و (۳) آمده است.

بازیگرانه، دوستانه، افراطی، منطقی و عشق بدون ایثارگرانه به ترتیب برابر با (۲/۱۰، ۰/۱، ۰/۱، ۰/۲۵، ۰/۰۸ و $F = ۰/۵۴$ و $P > ۰/۰۵$) بوده و شرط همگنی واریانس برقرار است. همچنین، یکی دیگر از پیش‌فرض‌های استفاده از این تحلیل، همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس است. با بررسی آزمون ام. باکس مشخص شد همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس رعایت شده است ($F = ۱/۲۹$ ، $P > ۰/۰۵$) که گویای آن است که ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته برای

جدول ۲. نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری مقایسه سبک‌های عشق‌ورزی در دختران و پسران

نام آزمون	مقدار	Df فرضیه	Df خطا	F	سطح معناداری
لامبدای ویلکز	۰/۸۳	۶	۱۹۳	۶/۴۱	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میان سبک‌های عشق‌ورزی در دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول تأیید می‌شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری مقایسه سبک‌های عشق‌ورزی دختران و پسران

شاخص متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه تأثیر
عشق احساساتی	۲۹۸/۸۵	۱	۲۹۸/۸۵	۱۱/۱۰	۰/۰۰۳	۰/۱۴
عشق بازیگرانه	۳۸۰/۸۸	۱	۳۸۰/۸۸	۱۳/۵۰	۰/۰۰۰۱	۰/۱۶
عشق دوستانه	۲۳/۱۲	۱	۲۳/۱۲	۱/۰۷	۰/۳۰	۰/۰۰۵
عشق افراطی	۱۷/۴۰	۱	۱۷/۴۰	۰/۵۵	۰/۴۶	۰/۰۰۳
عشق منطقی	۲۷۲/۹۸	۱	۲۷۲/۹۸	۹/۷۰	۰/۰۰۳	۰/۱۳
عشق ایثارگرانه	۱۷/۴۰	۱	۱۷/۴۰	۰/۳۸	۰/۵۳	۰/۰۰۲

از سبک‌های عشق بازیگرانه و منطقی استفاده نموده‌اند. بین دختران و پسران در سبک‌های عشق دوستانه، افراطی و ایثارگرانه تفاوت معناداری مشاهده نشد و بنابراین، فرضیه‌های فرعی ۴، ۵ و ۶ در فرضیه اول تأیید نشد.

برای آزمون این فرضیه که آیا سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند سبک‌های عشق‌ورزی را در دختران و پسران

یافته‌ها بیانگر آن است که در سبک‌های عشق احساساتی، بازیگرانه و عشق منطقی بین پسران و دختران تفاوت‌های جنسیتی معناداری وجود دارد. بنابراین، در فرضیه اول، فرضیه‌های فرعی ۱، ۲ و ۳ تأیید می‌شوند ($P < ۰/۰۱$). با مراجعه به جدول (۱) (شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه) مشخص می‌شود که دختران مورد مطالعه بیشتر از سبک عشق احساساتی و پسران گروه نمونه بیشتر

اسمیرونف^۵ برای بررسی نرمال بودن توزیع بررسی شود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مفروضه‌های تحلیل رگرسیون برقرار است. در ادامه، نقش سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی دختران و پسران مورد مطالعه به تفکیک ارائه شده است.

پیش‌بینی نمایند، از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. برای استفاده از مدل رگرسیون لازم است پیش‌فرض‌های استفاده از آن همچون: آزمون دوربین/واتسن^۱ برای بررسی استقلال خطاها، آزمون هم‌خطی^۲ با دو شاخص ضریب تحمل (تولرنس)^۳ و عامل تورم واریانس^۴ و آزمون کالموگروف -

جدول ۴. آزمون رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی از طریق ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دختر و پسر

ملاک	متغیرهای پیش‌بین	F	β	t	sig
اروس (عشق احساساتی)	پسران	۵/۹۴	-۰/۲۴	-۲/۴۴*	۰/۰۲
	دختران	۱۳/۴۹	-۰/۳۵	-۳/۶۷**	۰/۰۰۰۱
لودوس (عشق بازیگرانه)	پسران	۱۲/۳۶	۰/۳۴	۳/۵۲**	۰/۰۰۱
	دختران	-	-	-	-
پراگما (عشق منطقی)	پسران	۴۴/۵۱	-۰/۵۶	-۶/۶۷**	۰/۰۰۱
	دختران	۲۵/۷۵	۰/۲۰	۲/۲۶*	۰/۰۳
		۱۱/۵۱	-۰/۳۲	-۳/۳۹**	۰/۰۰۰۱
	تهییج‌پذیری	۱۰/۸۸	-۰/۲۸	-۲/۲۶*	۰/۰۳

در ادامه بررسی فرضیه ۲، ویژگی شخصیتی تواضع - فروتنی توانست سبک عشق بازیگرانه ($P < ۰/۰۰۱$) را در پسران پیش‌بینی کند. در دختران هیچ یک از متغیرهای مورد مطالعه سهم معناداری در پیش‌بینی عشق بازیگرانه نداشتند و وارد معادله نشدند. بنابراین، در پسران سبک‌های دلبستگی و سایر ویژگی‌های شخصیتی نتوانستند وارد معادله شوند و تأیید نمی‌شوند و در دختران هیچ‌یک از متغیرها نتوانستند سبک عشق بازیگرانه را پیش‌بینی کنند. بنابراین، فرضیه فرعی دوم تنها در این موارد تأیید می‌شود.

در سبک عشق‌ورزی منطقی نیز در پسران دلبستگی اضطرابی و خوشایندی ($P < ۰/۰۰۱$) و ($P < ۰/۰۳$) و در دختران دلبستگی اضطرابی و

نتایج تحلیل رگرسیون ارائه شده در جدول (۴) نشان می‌دهد که در پسران وظیفه‌شناسی ($P < ۰/۰۵$) و در دختران دلبستگی صمیمانه ($P < ۰/۰۰۰۱$) سبک عشق احساساتی را به‌گونه‌ای منفی پیش‌بینی نمودند. در پسران سبک‌های دلبستگی و سایر ویژگی‌های شخصیتی سهم معناداری در پیش‌بینی سبک عشق احساساتی نداشتند. همچنین، در دختران نیز سایر سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی وارد معادله نشدند. بنابراین، فرضیه فرعی ۱ تنها در این موارد تأیید می‌شود.

¹ Durbin-Watson

² collinearity

³ tolerance

⁴ variance inflation factor

⁵ kolmogorov-smirnov

و به‌طور خودانگیز و بی‌اختیار آغاز می‌گردد و با تأمل و تعمق اندکی همراه است.

تبیینی که برای نقش سبک دلبستگی صمیمانه در پیش‌بینی عشق احساساتی به‌گونه‌ای منفی می‌توان ارائه نمود، این است که دلبسته‌های وابسته کمتر در سبک عشق‌ورزی احساساتی که دوام چندانی ندارد، وارد می‌گردند. همچنین، از دلبسته‌های صمیمی نیز چنین انتظار می‌رود که در روابط عاشقانه روابط پایدار و بادوام را ترجیح داده، وارد سبک عشق‌ورزی احساساتی و زودگذر نگردند.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر این بود که در پسران، خصیصه تواضع - فروتنی توانست سبک عشق بازیگرانه را به‌طور معناداری پیش‌بینی نماید. در تبیین این یافته، می‌توان گفت فردی که در تواضع - فروتنی نمره پایینی کسب می‌کند، ویژگی‌هایی همچون کنترل و فریب دیگران را نشان می‌دهد (لی و آشتون، ۲۰۰۴). چنین فردی در روابط عاشقانه، قابل اعتماد نیست و تنها از روی هوس و سرگرمی وارد رابطه می‌گردد؛ بدین ترتیب، سبک عشق بازیگرانه را برمی‌گزیند.

همچنین، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که در دختران و پسران، دلبستگی اضطرابی، سبک عشق منطقی را به‌گونه منفی پیش‌بینی نمود. هم‌راستا با این یافته، پژوهش نشان می‌دهد دلبسته‌های مضطرب بیشتر بر روی روابط خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، در روابط عاشقانه پیوندهای صمیمانه نیرومندی برقرار می‌کنند و دلمشغولی اصلی آنان این است که آیا مورد عشق و محبت شریک خود قرار می‌گیرند. افزون بر این، به دلیل اهمیتی که حفظ روابط صمیمانه برای افراد دلبسته مضطرب دارد، تلاش مضاعفی در جهت تداوم

تهییج‌پذیری سهم معناداری در پیش‌بینی این سبک عشق داشتند ($P < 0/0001$ و $P < 0/03$) و سایر متغیرها وارد مطالعه نشدند و نتوانستند به‌طور معناداری سبک عشق‌ورزی منطقی را پیش‌بینی کنند؛ بنابراین، فرضیه فرعی سوم نیز تاحدودی تأیید می‌شود.

سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی نتوانستند سبک‌های عشق‌ورزی دوستانه، افراطی و ایثارگرانه را در دختران و پسران به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند و بنابراین، در فرضیه دوم، فرضیه‌های فرعی ۴، ۵ و ۶ تأیید نمی‌شوند.

بحث

پژوهش حاضر به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی در دانشجویان پرداخته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که وظیفه‌شناسی در پسران و دلبستگی صمیمانه در دختران به‌گونه منفی توانستند سبک عشق احساساتی را پیش‌بینی نمایند. این یافته با پژوهش انگل و همکاران (۲۰۰۲) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت فرد با سبک عشق احساساتی، بر شور و شهوتی که در رابطه عاشقانه تجربه می‌کند، کنترل کمی دارد. از سوی دیگر، تأمل و تعمق^۱ یکی از ابعاد مهم خصیصه وظیفه‌شناسی است. فرد وظیفه‌شناس با تأمل و تعمق به بررسی دقیق و همه‌جانبه ابعاد رابطه قبل از اقدام به هرگونه عمل پرداخته و سپس محتاطانه و هوشیارانه نسبت به رابطه متعهد می‌گردد. این درحالی است که در سبک احساساتی، عشق بر اثر جذابیت فیزیکی اولیه

¹ deliberation

این‌گونه روابط نشان خواهند داد و عشق و علاقه خود را نسبت به شریک خود بیشتر ابراز می‌نمایند و یا با کنترل بیشتر اعمال و رفتار وی، تهدیدکننده‌های بالقوه رابطه صمیمانه را از میان برمی‌دارند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷).

یکی دیگر از یافته‌های مطالعه حاضر این بود که خصیصه تهییج‌پذیری توانست به‌طور معناداری سبک عشق‌ورزی منطقی را در دختران پیش‌بینی نماید. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روان‌رنجورخویی با سبک‌های عاطفی عشق، همچون: عشق احساساتی، عشق ایثارگرانه و عشق افراطی رابطه معناداری دارد. افرادی که از تهییج‌پذیری بالایی برخوردارند، به دلیل آنکه نگرانی و اضطراب بیشتری نشان می‌دهند، کمتر می‌توانند رابطه عاشقانه خود را حفظ کنند و وقتی در رابطه عاشقانه‌ای به آنان خیانت می‌شود، به‌سختی می‌توانند با این موضوع کنار آمده و فرد دیگری را انتخاب کنند. همچنین، این افراد مشکلات ارتباطی بیشتری داشته و در زندگی جنسی و زناشویی خود رضایتمندی کمتری را تجربه می‌کنند (فیشر و مک‌نالتی^۱، ۲۰۰۸؛ وایت و همکاران، ۲۰۰۴)؛ این افراد در رابطه عاشقانه همواره نگرانند که مبدا نتوانند انتظارات شریک خود را برآورده سازند، یا اینکه شریک آن‌ها نتواند بخوبی از آن‌ها حمایت و مراقبت نماید (باس^۲، ۲۰۰۰). این عدم اعتماد و اطمینان موجب می‌گردد که هرگونه توجه دیگران به شریک خود را نوعی تهدید به حساب آورده، حسادت زیادی را تجربه می‌کنند (فیگرددو و همکاران^۳، ۲۰۰۶).

همسو با این یافته، پژوهش‌ها (جانسون و همکاران^۴، ۲۰۰۹؛ بارلو و همکاران^۵، ۲۰۱۰) نشان می‌دهد که سه خصیصه منفی خودشیفتگی^۶، آسیب‌روانی و ماکیاولی‌گرایی^۷ ویژگی‌هایی هستند که با فقدان عواطف مثبت و رفتار همدلانه مشخص می‌شوند. این سه خصیصه، فریب و استثمار دیگران را به دنبال دارند و در سبک‌های عشق بازیگرانه و منطقی ظهور می‌یابند. در سبک عشق منطقی هدف فرد از رابطه عاشقانه آن است که به منافع کوتاه‌مدت خود دست یابد، و این افراد بسیار پرخاشگر و خودخواه هستند. در این سبک عشق، افراد با مغز خود عاشق می‌شوند، نه با قلب خود. چنین افرادی عشق و رابطه عاشقانه را به‌خاطر منافی که دیگری برایشان دارد، می‌خواهند و نه به خاطر خود آن (فیگرددو و همکاران، ۲۰۰۶).

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، تفاوت‌های جنسیتی پسران و دختران در سبک‌های عشق‌ورزی بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دختران در مقایسه با پسران بیشتر از سبک عشق احساساتی و پسران در مقایسه با دختران بیشتر از سبک عشق‌ورزی بازیگرانه و منطقی استفاده می‌کنند. این یافته با مطالعه جانسون و کاوانگ (۲۰۱۰) و اسپرچر و ترو مورن (۲۰۰۲) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت در روابط عاشقانه مردان بیشتر از زنان جذب زیبایی‌ها و جذابیت فیزیکی و جنسی زنان می‌گردند. آنان تمایل دارند مانند دو غریبه هرچه سریعتر وارد رابطه جنسی گردند و لذت جنسی حاصل از آمیزش را تجربه کنند (سبک

⁴ Jonason et al

⁵ Barlow et al

⁶ narcissism

⁷ machiavellianism

¹ Fisher & McNulty

² Buss

³ Figueredo

علوم اجتماعی را در پیش‌بینی برخی واقعیت‌های این مسأله در سایر اقشار جامعه یاری نماید. از سوی دیگر افزایش ارتباط با جنس مخالف، افزایش سن ازدواج در میان جوانان و افزایش بروز رفتارهای جنسی بدون ازدواج در میان جوانان و نوجوانان (خلج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹) نیازمند توجه و مطالعه علل مؤثر در شکل‌گیری این پدیده است تا بدین طریق آگاهی‌های لازم در اختیار نوجوانان، جوانان و خانواده‌های آنان قرار گیرد و از آسیب‌های احتمالی این‌گونه روابط پیشگیری شود.

منابع

پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*. پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

پالاهنگ، ح.؛ نشاط‌دوست، ح. ط. و مولوی، ح. (۱۳۸۸). *هنجاریابی پرسشنامه ۶ عاملی شخصیت HEXACO-PI-R در دانشجویان ایرانی*. *مجله روانشناسی دانشگاه تبریز*، سال چهارم، ش ۱۶، ص ۴۸-۶۶.

خلج‌آبادی فراهانی، ف. و مهریار، ا.ه. (۱۳۸۹). *بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجوی شهر تهران*. *خانواده پژوهی*، سال ششم، ش ۲۴، ص ۴۴۹-۴۶۸.

ذکایی، م. س. (۱۳۸۴). *بررسی رفتارهای خطرناک با تاکید بر روابط جنسی آزاد: مطالعه موردی شهر تهران*. تهران: سازمان ملی جوانان.

عشق بازیگرانه؛ در حالی که زنان بیشتر به ایمنی و تعهد عاطفی رابطه عاشقانه می‌اندیشند و تمایل دارند نشانه‌های عاطفی عشق را تجربه کنند (وراسک و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، می‌توان گفت مردان در رابطه عاشقانه به دنبال کسب منفی هستند که رابطه برایشان به دنبال دارد (سبک عشق منطقی) و به آن بیشتر به شکل کسب لذت جنسی و سرگرمی و هوس (سبک عشق بازیگرانه) می‌نگرند. افزون بر این، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دختران در مقایسه با پسران بیشتر از سبک عشق احساساتی استفاده می‌کنند. این یافته را می‌توان با نظریه سرمایه‌گذاری والدینی (به نقل از اشمیت و همکاران، ۲۰۰۹) تبیین نمود. مبتنی بر این نظریه، زنان بیشتر از مردان در رابطه عاشقانه سرمایه‌گذاری عاطفی می‌کنند؛ زیرا زنان بیشتر از مردان در فرایند بارداری و تربیت فرزندان وقت و انرژی صرف می‌کنند و بدین دلیل، زنان بیشتر از مردان پیامدهای وارد شدن و درگیر شدن در یک رابطه عاشقانه را تأمل و بررسی می‌کنند.

پژوهش حاضر در میان جوانان دانشجویان انجام شده است و همین امر تعمیم نتایج را به جوانان غیردانشجو محدود می‌سازد؛ اما مطالعه روابط عاشقانه و ارتباط با جنس مخالف در میان جوانان، شناخت این پدیده و آسیب‌های آن را آشکار خواهد ساخت؛ زیرا دانشگاه یکی از محیط‌هایی است که در آن، فرصت‌هایی برای برقراری روابط پیش از ازدواج فراهم است. از سوی دیگر، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها یکی از منابع مهم هنجار در جامعه محسوب می‌شوند و شناخت ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر رفتار آنان، در این باره می‌تواند محققان حوزه روان‌شناسی و

- Barlow, A., Qualter, P., & Stylianou, M. (2010). Relationships between machiavellianism, emotional intelligence, and theory of mind in children. *Personality and Individual Differences*, 48 (6), 78-82.
- Buss, D. M. (2000). *The dangerous passion: Why jealousies as necessary as love and sex*. New York: Free Press.
- Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2002). Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(10), 484-495.
- Cassidy, J. (1994). Emotion regulation: influence of attachment relationships. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 59 (3), 228-249.
- Durik, A. M., Hyde, J. S., Marks, A. C., Roy, A., L. Anaya, D., & Schultz, G. (2006). Ethnicity and gender stereotypes of emotion. *Sex Roles*, 54 (1), 429-445.
- Engel, G., Olson, K. R., & Patrick, C. (2002). The personality of love: fundamental motives and traits related to components of love. *Personality and Individual Differences*, 32(6), 839-853.
- Fisher, T. D., & McNulty, J. K. (2008). Neuroticism and marital satisfaction: The mediating role played by the sexual relationship. *Journal of Family Psychology*, 22(1), 112-122.
- Figueredo, A. J., Sefcek, J. A., & Jones, D. N. (2006). The ideal romantic partner personality. *Personality and Individual Differences*, 41(3), 431-441.
- Gurtman, M. B., & Pincus, A. L. (2003). *The circumplex model: Methods and research applications*. In J. A. Schinka & W. F. Velicer (Eds.). *Handbook of psychology: Research methods in psychology* (2, 407-428). New York: John Wiley & Sons.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 291-332.
- Heaven, P. C. L. Da Silva, T. Carey, C., & Holen, J. (2004). Loving styles: Relationships with personality and
- رجبلو، ع. و اصغری، س. (۱۳۸۹). جهانی شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران. *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، سال هشتم، ش ۲، ص ۷۳-۹۲.
- قاسمی، و. (۱۳۸۳). *سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده رابطه دوستانه دختر و پسر؛ مورد مطالعه: دانشگاه صنعتی اصفهان. مطالعات جوانان*، سال سوم، ش ۷، ص ۹۰-۱۱۳.
- موحد، م؛ عنایت، ح. و عباسی شوازی، م.ت. (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج. *مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، سال بیست و چهارم*، ش ۲، ص ۴۷-۵۷.
- موحد، م؛ مقدس، ع.ا. و عباسی شوازی، م.ت. (۱۳۸۶). خانواده، جوانان و جامعه‌پذیری. *فصلنامه مطالعات جوانان*. سال هشتم، ش ۹، ص ۳۳-۴۵.
- Abma, J. C. & Sorenstein, F. L. (2001). Sexual activity and contraceptive practices among teenagers in the United States, 1988 and 1995. National Center for Health Statistics. *Vital Health Statistics*, 23 (21), 23-35.
- Alfasi, Y., Gramzow, R. H., & Carnelly, K. B. (2010). Adult attachment patterns and stability in esteem for romantic partners. *Personality and Individual Difference*, 48 (5), 607-611.
- Ashton, M. c., & Lee, K. (2009). The HEXACO-60: A Short Measure of the Major Dimensions of Personality. *Journal of Personality Assessment*, 91(4), 340-345.

- predictor of relationship satisfaction*. Unpublished Doctoral dissertation, Texas Tech University.
- Schmitt, D. P., & Buss, D. M. (2000). Sexual dimensions of person description: Beyond or subsumed by the Big Five. *Journal of Research in Personality*, 34(2), 141–177.
- Schmitt, D. P., Youn, G., Bond, B., Brooks, S., Frye, H., Johnson, S., Klesman, J., Peplinski, C., Sampias, J., Sherrill, M., & Stoka, C. (2009). When will I feel love? The effects of culture, personality, and gender on the psychological tendency to love. *Journal of Research in Personality*, 43(3), 830–846.
- Sprecher, S., & Toro-Morn, M. (2002). A study of men and women from different sides of earth to determine if men are from Mars and women are from Venus in their beliefs about love and romantic relationships. *Sex Roles*, 46(2), 131–147.
- Voracek, M., Hofhansl, A., & Fisher, M. L. (2005). Clark and Hatfield's evidence of women's low receptivity to male strangers' sexual offers revisited. *Psychological Reports*, 97(1), 11–20.
- White, J. K., Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (2004). Big Five personality variables and relationship constructs. *Personality and Individual Differences*, 37(7), 1519–1530.
- attachment styles. *European Journal of Personality*, 18(2), 103–113.
- Hendrick, C., & Hendrick, S. S. (1989). Research on love: Does it measure up?. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56(1), 784–794.
- Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (1995). Gender differences and similarities in sex and love. *Personal Relationships*, 2(1), 55–65.
- Jonason, P. K., & Kavanagh, P. (2010). The dark side of love: Love styles and the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 49 (6), 606–610.
- Jonason, P. K., Li, N. P., Webster, G. W., & Schmitt, D. P. (2009). The Dark Triad: Facilitating short-term mating in men. *European Journal of Personality*, 23(1), 5–18.
- Lee, J. A. (1973). *The colors of love: an exploration of the ways of loving*. Don Mills, Ontario: New Press.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2004). Psychometric properties of the HEXACO Personality Inventory. *Multivariate Behavioral Research*, 39 (2), 329–358.
- Mikulincer, P. R. Shaver. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. Guilford Press: New York.
- Middleton, C. F. (1993). *The self and perceived-partner: similarity as a*

Gender Differences in Attachment Style and Personality Traits in Prediction of Love Styles in University Students

*** F. Pourmohseni Koluri**

Assistant Professor of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract:

An important aspect of university life is romantic relationships. Research has showed these relationships effect major areas of youth function such as close relationships, identity development, sexual development, and peer relationships. The present study examined the gender differences in attachment style and personality traits in love styles among university students. For this purpose, among Ardebil university students, 200 participants were selected based on random sampling. Participants were responded the HEXACO Personality Inventory (Ashton & Lee, 2004), attachment styles scale (Colins & Reed, 1990) and Love Attitude Scale (Hendric & Hendric, 1989). The investigation of gender differences in love styles showed that boys reported higher scores in ludus and pragma and girls reported higher scores in eros ($P < 0/01$, $P < 0/05$). Also regression analyses showed that, in boys, conscientiousness, and in girls close attachment were as a significant predictor of eros. Also, in boys, honesty-humility predicts ludus, and anxious attachment and agreeableness predict pragma. In girls, emotionality and anxious attachment predict pragma ($P < 0/01$, $P < 0/05$). The findings of this study are debatable in order to understand the factors that influence the love styles.

Keywords: love styles, six-factor personality model of HEXACO, attachment style, gender differences and students.

* fpmohseni@yahoo.com